

## گزارش کمیته حقیقت یاب درباره ترور حریری

پیتر فیتز جرالده، رییس کمیته حقیقت یاب سازمان ملل متحد  
در لبنان، نیویورک، ۲۴ مارس ۲۰۰۵.

ترجمه و تلخیص: عبدالرضا همدانی  
پژوهشگر مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات  
استراتژیک خاور میانه

گزارش کمیته حقیقت یاب در لبنان  
که در مورد دلایل وقوع و تبعات ترور رفیق  
حریری، نخست وزیر سابق، طی مدت ۲۵  
فوریه تا ۲۴ مارس ۲۰۰۵ به تحقیق و تفحص  
مبادرت کرد. به شرح زیر است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
خلاصه اجرایی  
رتال جامع علوم انسانی

در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵، انفجاری در  
مرکز شهر بیروت منجر به قتل ۲۰ نفر که در  
میانشان رفیق حریری نخست وزیر سابق  
لبنان قرار داشت، شد. در این زمینه دبیر کل  
سازمان ملل متحد مبادرت به ارسال  
کمیته ای حقیقت یاب به بیروت کرد تا علل و  
تبعات این ترور را بررسی نماید. این کمیته از

جوامع را محقق می سازد؟ پاسخ این پرسش  
منفی است؛ زیرا منابع دیگر برای تداوم  
حکومت لازم است و تنها استفاده از اهرمهای  
فشار و خشونت در جامعه کافی نیست.  
در حالی که بسیاری از سازمانهای  
سیاسی-عربی از این پدیده استفاده  
می کنند، کوشش سازمانها برای افزایش  
مشروعیت یا تحکیم آن عامل مهمی در  
پیشرفت رهبران محسوب می شود، زیرا  
برخی از آنها نمی توانند برای تداوم  
سازمانهای سیاسی بر قدرت تاریخی تکیه  
کنند. اما با وجود این، بسیاری از سازمانهای  
سیاسی-عربی در درمان مشکلات تاریخی  
جامعه ناکام مانده و منابع مشروعیت از پایه  
در آنها ضعیف مانده است.

۲۵ فوریه که وارد بیروت شد، با مقامات لبنان و نمایندگان گروه‌های سیاسی ملاقات کرد. از صحنه جنایت و سرنخهایی که توسط پلیس محلی جمع آوری شده بود، بازبینی کرد و با برخی از شاهدان عینی گفتگو نمود. پر واضح است که این ترور در چارچوبی سیاسی و امنیتی شامل جبهه‌گیری شدید پیرامون نفوذ سوریه و شکست دولت لبنان در حمایت کافی از شهروندانش به اجرا درآمده است. این انفجار به وسیله بمبی حاوی هزار کیلوگرم ماده «تی ان تی» که بر روی سطح زمین گذاشته شده بود، به وقوع پیوست. تحقیقات مقامات لبنانی پیرامون این انفجار براساس معیارهای مورد پذیرش جهانی انجام نگرفته است و شهروندان لبنان به این تحقیقات اطمینان ندارند. این ترور تنش‌های سیاسی که طی یک سال اخیر در لبنان به وجود آمده بود را عمیق‌تر کرد. از یک سو، گروهی دستگاه امنیتی و رهبری سوریه را متهم به ترور حریری می‌کنند؛ زیرا تبدیل به مانعی در مقابل نفوذ این کشور در لبنان شده بود. از سویی دیگر، حامیان سوریه معتقدند که حریری به وسیله دشمنان سوریه به قتل رسیده است تا فشارهای جهانی علیه سوریه

افزایش یابد و از نفوذ این کشور در لبنان کاسته شود و در پایان نیز در نظام سیاسی سوریه تغییراتی ایجاد شود.

پس از گردآوری واقعیتهای موجود، این کمیته نتیجه‌گیری کرد که بازسازی دستگاه امنیتی لبنان برای امنیت و ثبات این کشور بسیار حایز اهمیت است. در این راه کمک جامعه جهانی از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد؛ زیرا حفاظت از وحدت لبنان و حمایت از ساختار ضعیف حکومتی از فشارهای نامشروع کاملاً ضرورت دارد. در ۱۵ فوریه رییس شورای امنیت به نمایندگی از این شورا، بیانیه‌ای صادر کرد و از دبیر کل خواست تا به طور جدی وضعیت لبنان را پی‌گیری کند و علل دلایل و تبعات این اقدام تروریستی را به سرعت به اطلاع این شورا برساند. دبیر کل در ۱۸ فوریه اعلام کرد که «کمیته حقیقت‌یابی را به منظور جمع‌آوری هرگونه اطلاعات ضروری جهت ارایه آن به شورای امنیت به بیروت خواهد فرستاد.» پس از مبادله چند نامه میان دبیرکل و رییس جمهوری لبنان، این کمیته به ریاست پیتر فیتز جرالد، معاون رییس پلیس ایرلند و جارداسیوشانا تشکیل شد و شامل دو محقق

کارآگاه پلیس، مشاور قانونی و مشاور سیاسی بود که همراه با کارشناسان مواد منفجره و مواد پلاستیکی، ژنتیک و کارشناسان جستجو در صحنه قتل، روز ۶ مارس پس از موافقت با دولت لبنان به این کشور وارد شدند.

### چارچوب سیاسی

از لبنان به طور پیوسته به عنوان میدان نبرد میان طرفهای منازعه اعراب و اسرائیل استفاده شده، به طوری که تأثیر مخربی بر وحدت ملی و استقلال این کشور داشته است؛ این امر در جنگ داخلی خانمانسوز (۱۹۹۰-۱۹۷۵) و تجاوزهای نظامی گسترده به خاک این کشور به خوبی نشان داده شده است. سوریه از ماه مه ۱۹۷۶ و با موافقت دولت لبنان، حضور نظامی خود را در این کشور حفظ کرد. سوریه به نفوذ خود در امور لبنان به ویژه پس

از سال ۱۹۹۰ ادامه داد و این مداخله و نفوذ در سال ۱۹۹۱ با موافقت نامه «برادری، همکاری و هماهنگی» قانونی شد. حضور سوریه در لبنان تا سال ۲۰۰۰ که اسرائیل نیروهای خود را از جنوب لبنان عقب راند،

غیر متغیر باقی ماند. اما از آن پس برخی از شخصیت‌های سیاسی با ادامه نفوذ همه جانبه سوریه مخالفت کردند و خواهان اجرای همه مفاد موافقت نامه طائف (۱۹۸۹) شدند که اگر به اجرا در می‌آمد از حجم حضور سوریه در لبنان به طرز قابل ملاحظه‌ای می‌کاست و تقریباً آن را به سطح خروج کامل می‌رساند.

با آنکه رفیق حریری با دقت از این گفتمان کناره‌گیری می‌کرد، اما براساس گفته‌های یک مقام امنیتی عالی رتبه و نزدیک به سوریه، حریری و امیل لحود، رئیس جمهوری لبنان در دوره نخست‌وزیری حریری (۲۰۰۴-۲۰۰۰)، بارها با یکدیگر در این زمینه منازعه داشتند، به طوری که نیاز به «مداخله خارجی و میانجیگری روزمره» وجود داشت. این منازعه بر توان حریری در اداره دولت اثر گذاشته بود و این گونه تفسیر می‌شد که مشکلات حریری با لحود نشانه عدم اعتماد سوریه به حریری است.

مقرر بود که ریاست جمهوری لحود در سال ۲۰۰۴ بدون احتمال انتخاب مجدد، طبق قانون اساسی، پایان یابد. حریری امیدوار بود با پایان این ریاست جمهوری، کنترل بیشتری بر دولت خود داشته باشد.

اما در سال ۲۰۰۴ بعضی از شخصیت‌های لبنانی خواستار تغییر قانون اساسی به منظور تمديد ریاست جمهوری لحدود شدند. به دلیل نحوه توزیع کرسیهای پارلمانی، تغییر اصول قانون اساسی به تأیید و رأی مثبت اردوگاه حریری نیاز داشت ولی این تأییدی بود که حریری آماده اقدام به آن نبود. به علاوه، اطلاعات دقیقی در دسترس است که حریری موفق به دریافت پایبندی رهبری سوریه در مورد عدم تمديد دوره ریاست لحدود شده بود. اما مدتی بعد رهبری سوریه تصمیم گرفت که دوره ریاست جمهوری لحدود را به جای شش سال برای یک دوره سه ساله تأیید کند. رهبری سوریه به حریری پیغام داد که او باید کناره‌گیری کند؛ زیرا هیچ راهی برای ادامه همکاری لحدود و حریری وجود ندارد. حریری با بشار اسد در دمشق دیدار کرد تا برای آخرین بار وی را قانع سازد که تمديد دوره ریاست جمهوری را تأیید نکند. براساس شهادت بعضی از منابع مختلف، حریری به اسد متذکر شد که وی متعهد شده است که ریاست جمهور امیل لحدود را تمديد نکند و اسد نیز پاسخ داده است که تحولات سیاسی به وقوع پیوسته و این تصمیم گرفته شده

است. اسد افزوده بود که لحدود به مثابه نماینده شخصی وی در لبنان است و مخالفت با او به معنی مخالفت با شخص اسد می‌باشد. پس از این جلسه حریری به طرفدارانش اطلاع داد که راهی دیگر جز تأیید تمديد ریاست جمهوری لحدود ندارند.

در دوم سپتامبر ۲۰۰۴، شورای امنیت قطعنامه شماره ۱۵۵۹ را که بعضی از مواد آن تصریح می‌دارد که کلیه نیروهای بیگانه باید از لبنان عقب‌نشینی کنند و انتخاباتی آزاد در این کشور براساس اصول قانون اساسی لبنان بدون دخالت خارجی برگزار شود، به تصویب رساند. این اعتقاد وجود دارد که حریری از این قطعنامه کاملاً حمایت کرده است و رهبری سوریه حریری را مسئول اصلی تصویب این قطعنامه دانسته است. در سوم سپتامبر رأی‌گیری در پارلمان لبنان برای تمديد دوره ریاست جمهوری صورت گرفت و حریری و اردوگاه پارلمانی او به سود این قانون رأی دادند. بدین ترتیب، قانون اساسی تغییر یافت و دوره ریاست جمهوری لحدود برای سه سال دیگر تمديد شد و در ۹ سپتامبر حریری استعفای خود را اعلام کرد.

با این استعفا تنشهای سیاسی جدیدی به وجود آمد و «اپوزیسیون» به طور جدی تری خواهان بازخوانی مناسبات فی مابین سوریه و لبنان شد. برخی از سران اپوزیسیون خواستار بازخوانی این مناسبات براساس قطعنامه شماره ۱۵۵۹ شورای امنیت شدند، در حالی که گروهی دیگر خواستار بازخوانی آن طبق مفاد موافقت نامه طائف شدند. تا زمانی که ریاست جمهوری لحدود تمدید شد، اپوزیسیون شامل تعدادی از سیاستمداران و چند گروه مسیحی می شد. پیوستن اردوگاه ولید جنبلاط به اپوزیسیون تحول بسیار مهمی بود که دایره اپوزیسیون را وسعت بخشید. اضافه شدن حریری نیز قدرت بیشتری به اپوزیسیون داد و اهل سنت را که پر تعداد و با نفوذ هستند به این اپوزیسیون جلب کرد.

در دوم اکتبر مروان حماره، وزیر سابق، از یک حادثه ترور جان سالم به در برد. هرگز عوامل این ترور شناسایی نشدند و کمیته حقیقت یاب از سوی تعداد بسیاری از مردم داخل و خارج لبنان مطلع شد که حریری و جنبلاط نیز از جان خود بیم داشتند و ترور حماره را جزیی از منازعه با

رهبری سوریه می دانستند. در میان این تنشهای متصاعد، اپوزیسیون ائتلاف قوی تری انجام داد و بین جنبلاط و حریری و رهبر تبعیدی مارونی ها، میشل عون، مذاکرانی صورت گرفت. در پایان ژانویه ۲۰۰۵، تقریباً تمامی گروههای سیاسی و دینی به غیر از دو حزب شیعه «امل» و «حزب الله» برای نخستین بار با یکدیگر ائتلاف قدرتمندی بستند. این ائتلاف طرفدار سوریه نبود و اطمینان داشت که در انتخابات آینده پیروز می شود، ضمن آنکه از حمایت بازبگران اصلی جامعه بین المللی بهره مند بود و به نظر می رسید که از توان خویش برای مجبور ساختن سوریه برای اجرای مفاد قطعنامه شماره ۱۵۵۹ شورای امنیت و یا موافقت نامه طائف مطمئن بود. در مرکز این ائتلاف فردی به عنوان عقل تدبیرگر ایستاده بود که کسی نبود جز رفیق حریری، نخست وزیر سابق که ترور شد.

### زمینه های امنیتی

بسیاری از مردم به کمیته حقیقت یاب گفتند که حریری «مهم ترین شخصیت در حیات عمومی لبنان است و در نتیجه ترور وی

پرسشهایی در رابطه با سطح حمایت از وی از سوی دستگاه امنیت لبنان که شامل چندین بخش مختلف است، مطرح کرد. در این دستگاه، اطلاعات ارتش نقش اصلی را ایفا می کند. این دستگاه اطلاعاتی بخشهای امنیت ملی، مبارزه با تجسس، تروریسم و نیروی هجومی را شامل می شود. همچنین قسمتی در ارتباط با کنترل مخابرات را در اختیار دارد. دستگاه «امنیت عمومی» امور مربوط به بیگانگان، گذرنامه ها، مرزها و همچنین مسایل امنیتی دارای شکل سیاسی را پوشش می دهند. بخش «نیروی امنیت داخلی» شامل نیروهای پلیس و اداره جمع آوری اطلاعات می شود. بخش «امنیت دولت» مسئول امور امنیتی-سیاسی است. گارد ریاست جمهوری که مسئول حمایت از رئیس جمهوری است، تحت نظارت فرمانده ارتش است. تشکیلات اطلاعات نظامی سوریه نیز دفاتر متعددی در لبنان و از جمله در بیروت دارد. این تشکیلات نقش اساسی در حیات سیاسی لبنان دارد و در اداره امور امنیتی لبنان نفوذ و مداخله بسیاری دارد.

براساس قواعد و ساختارهای امنیتی لبنان، همه این بخشها عضو شورای امنیت

مرکزی لبنان هستند که هر ماه یک بار به ریاست وزیر کشور جلسه ای را تشکیل می دهند. اما به گفته مقامات امنیتی، وزرا و رؤسای سابق این بخشها، نخست اینکه هیچ هماهنگی میان این بخشها وجود ندارد و شورای فوق الذکر تنها یک شورای شکلی و ظاهری است؛ دوم مسئولان این بخشها اکثر گزارشهای اطلاعاتی خویش را به کسانی ارایه می کنند که آنها را بر این گونه کارها گمارده اند و اطلاعات چندانی را به شورای امنیت مرکزی تقدیم نمی کنند. ضمن آنکه نارسایی شدیدی در زمینه نظارت یا بازرسی قانونی از این بخشهای اطلاعاتی وجود دارد. مردم لبنان، تردید بسیاری نسبت به توانایی و یا خواست دستگاههای امنیتی در ایجاد امنیت برای شخصیتهای سیاسی که با تهدیدهایی مواجهند، دارند. فرهنگ حاکم این است که سیاستمداران باید به شیوه های خاص خود، حمایت امنیتی برای خویش فراهم کنند. بسیاری از مردم به این واقعیت اشاره می کنند که طی سی سال اخیر، ترورهای سیاسی بسیاری در لبنان به وقوع پیوسته و در اغلب مواقع، جنایتکاران پیدا نشده اند.

همه دستگاههای امنیتی، دریافت اطلاعاتی مبنی بر تهدید یا احتمال تهدید حریری و یا جنبلاط را رد کردند، اما هرگاه این کمیته با هر کسی که در خارج از این دستگاهها بود گفتگو می کرد، این سخن به میان می آمد که شاید این دو شخصیت و خانواده هایشان با تهدیدهایی مواجه شوند. جالب آنکه از تعداد محافظان حریری نیز کم شد و از ۴۰ نفر به هشت نفر رسید و در روز ترور تقریباً تمام گروه حفاظتی حریری را تیم ویژه وی تشکیل می دادند. بنابراین به نظر کمیته حقیقت یاب، دستگاه امنیتی لبنان در ارایه حمایت مناسب برای حریری شکست خورده و در نتیجه شرایط را برای ترور وی فراهم نموده بود.

### آخرین روز حریری

روز دوشنبه ۱۴ فوریه ۲۰۰۵، حدود ساعت ۱۲/۳۰ دقیقه، حریری ساختمان پارلمان در مرکز بیروت را ترک کرد و حدود ۷۰ متر به سمت کافه «پلاس دی لوتیل» در میدان نجمه پیاده روی کرد و با تعدادی از شهروندان ملاقات نمود. در ساعت ۱۲/۵۰ به همراه باسل فلیحان، وزیر سابق و عضو

پارلمان، کافه را ترک نمود. کاروان گروه حفاظتی او شامل شش اتومبیل می شد که به ترتیب عبارتند از: یک جیب با چهار پلیس، یک مرسدس بنز مشکی رنگ با سه محافظ خصوصی حریری، یک مرسدس بنز ضد گلوله به رانندگی حریری، یک مرسدس بنز مشکی با چهار محافظ. یک مرسدس بنز دیگر با سه سرنشین و یک اتومبیل جیب در انتهای این کاروان با سه محافظ. تمامی این اتومبیلها حاوی اسلحه و تمامی محافظان، حرفه ای بودند. مسیر حرکت به وسیله نخستین اتومبیل تنها زمانی مشخص شد که حریری کافه را ترک و کاروان حفاظتی از میدان نجمه به سمت خیابان «اهداب» و خیابان «فوش» حرکت کرد. در تقاطع خیابان فوش با خیابان «سوابورت» قافله به سمت چپ رفت و در یک راه ساحلی به سوی هتل «سان جور جیوس» مسیر خود را ادامه داد. در ساعت ۱۲ و ۵۶ دقیقه و ۲۵ ثانیه، کاروان حفاظتی در مسیر هتل قرار داشتند و این مسیری بود که طی سه ماه اخیر، شش بار از آن عبور کرده بودند. در این لحظه انفجار مهیبی به وقوع پیوست که منجر به کشته شدن حریری، هفت محافظ و دوازده

شهروند شد. حریری به بیمارستان دانشگاه آمریکایی انتقال یافت و جسد او از سوی پزشک اختصاصی وی و تعدادی از پزشکان تعیین شده از سوی دولت، شناسایی شد.

### محل حادثه

محل حادثه واقع در منطقه «عین المرسه» در شهر بیروت، بیرون هتل جور جیوس قرار دارد. به دنبال وقوع انفجار، هرج و مرج بسیاری آن منطقه را فرا گرفت و کمک به مجروحان و انتقال مصدومان، قبل از رسیدن نیروهای امداد، توسط مردم انجام شد. تحقیقات در مورد این حادثه به دادگاه نظامی سپرده شد و قاضی «رشید مظهر» مسئولیت تحقیق در این زمینه را بر عهده گرفت. با توجه به اینکه جنایت با امنیت ملی مرتبط بود، در ۲۱ فوریه این پرونده به شورای قضایی ارسال شد و قاضی «میشال ابو عراق»، قاضی دادگاه جنایی، جایگزین قاضی رشید مظهر گردید.

شکست در انجام اقدامات اساسی جهت کشف حقیقت از همان ابتدا آشکار می شود:

الف. مشخص شد که جسدی که در

روز ۱۵ فوریه در محل جنایت پیدا شده تا بیست ساعت پس از وقوع انفجار زنده بوده است؛

ب. جسدی از سوی افراد خانواده مقتول روز یک مارس ۲۰۰۵ (۱۵ روز پس از انفجار) در محل جنایت پیدا شد؛

ج. دستگاه امنیتی در کنترل وضعیت آن منطقه، دور نمودن مردم، ممانعت از ورود غیرقانونی به محل وقوع جنایت و مطمئن شدن از کشف تمامی اجساد و انتقال همه مجروحان و حفاظت از سرنخهای موجود در صحنه جنایت، شکست خورد.

کمیته حقیقت یاب، نقضهای زیر را مشخص نموده است:

الف. قبل از نیمه شب ۱۴ فوریه، شش اتومبیل از جمله اتومبیل رفیق حریری و یک اتومبیل «بی.ام.و» که ارتباطی با کاروان حفاظتی نداشت، از محل جنایت به پاسگاه پلیس «حلو» در شهر بیروت منتقل شد. هنوز هیچ تحقیقی در مورد نوع مواد منفجره ای که به این اتومبیلها برخورد کرده و حرکتی که ممکن است مفید واقع شود، به عمل نیامده است؛

ب. کارمندان ارتش لبنان، پلیس،



اطلاعات و کارشناسان مواد منفجره بسیاری از موادی که ممکن است برای دریافت حقیقت این رویداد کارساز باشند را بدون آنکه به شکل صحیحی ثبت کنند و یا این مواد را در کنار یکدیگر قرار دهند تا سرنخی یافت شود، از صحنه جنایت خارج کرده اند؛

و. تا ششم مارس بسیاری از کارمندان با لباسهای نظامی و لباسهای عادی به درون صحنه جنایت وارد می شدند، بدون آنکه ورود و خروج این افراد با مجوز باشد و یا اینکه ثبت شود؛

ز. در هشتم مارس، اعضای کمیته حقیقت یاب از گروه محلی تحقیقات درخواست گزارشی از وقایع این حادثه مثل دلایل و نوع آن، عکسهای گرفته شده، ورود و خروج افراد و کارمنداها، آزمایشهای صورت گرفته و مدیریت صحنه جنایت نمود. اما در پانزدهم مارس، به کمیته حقیقت یاب اطلاع داده شد که چنین گزارشی وجود ندارد و نمی توان آن را تهیه کرد؛

ح. رسانه های گروهی پس از انفجار وارد صحنه جنایت شدند و یک روز پس از این حادثه نیز قاضی مظهر، پس از آنکه دستنگاه امنیتی صحنه جنایت را بهتر کنترل کرد، اجازه رسمی ورود رسانه های گروهی به این منطقه را صادر نمود؛

د. حفره ناشی از وقوع این جنایت در روزهای پس از انفجار مملو از آب شد و مقامات محلی و پلیس نتوانستند مانع از ورود آب لوله هایی که در اثر انفجار در محل حادثه شکسته شده بودند، به درون حفره شوند و در نتیجه بسیاری از سرنخهای اصلی یا کاملاً از بین رفت و یا اینکه با آسیبهایی مواجه شد؛

خ. دلایل بسیاری وجود دارد که نشان می دهد، قضات تحقیق کنترلی بر اداره این تحقیق نداشته اند؛

ط. به نظر می رسد، دستگاههای دولتی - امنیتی بدون موافقت قضایی وارد صحنه جنایت شده اند و پس از آن نتوانستند نتایج تحقیقات را هماهنگ کنند.

ه. قسمتهایی از یک اتومبیل «پیک آپ» از سوی دستگاه امنیتی، پس از وقوع حادثه در حفره انفجار قرار داده شد و سپس از آن فیلم برداری و به عنوان یک سرنخ در نظر گرفته شد؛

بنابراین به نظر این کمیته از صحنه جنایت به درستی محافظت نشده و بسیاری از دلایل مهم یا از بین رفته و یا اینکه بدون

هر گونه ثبتي، نابود شده اند و بايد مسئولان اين سوء مديریت مورد بازخواست قرار گیرند.

### گزارشهای شبکه ماهواره ای در الجزیره

- شبکه الجزیره ساعت ۱۴ روز چهاردهم فوریه ۲۰۰۵، گزارش داد که فردی در تماس با دفتر این شبکه در بیروت اعلام کرده است که «جماعت یاری و جهاد در سوریه بزرگ» مسئولیت قتل رفیق حریری مزدور را به عهده می گیرد. پس از آن در تماس تلفنی مجدد با دفتر شبکه در بیروت اعلام می شود که فیلمی ویدیویی در نزدیکی دفتر سازمان ملل متحد در بیروت، کنار یک درخت قرار دارد و از این دفتر خواسته می شود که این فیلم را برداشته و پخش نماید. در این فیلم که توسط این شبکه پخش شد، مردی با ریش به نمایش درآمده است که به نمایندگی از «جماعت یاری و جهاد در سوریه بزرگ» مسئولیت قتل حریری را اعلام می نماید. این فرد «احمد ابوعدی» نام دارد، ۲۲ سال و ساکن بیروت می باشد.

- در همان روز و در ساعت ۱۴:۱۱ یک کارمند خبرگزاری رویترز تماس تلفنی از یک مرد که لهجه لبنانی نداشت ولی از لهجه

دروغین فلسطینی استفاده می کرد، دریافت نمود که باصدای فریادگونه اعلام می کرد: «ما جماعت یاری و جهاد در سوریه بزرگ در این روز حریری کافر را به سزای اعمالش رساندیم تا عبرتی برای دیگران باشد.» جملات این مکالمه به دلیل آنکه قابل استفاده نبود، منتشر نشد.

- از مجموع پنج تماس تلفنی که با دفتر الجزیره گرفته شده بود، چهار مکالمه آن از کیوسکهای تلفن عمومی شهر بیروت انجام شده بود، اما هیچ تحقیق اساسی در این زمینه صورت نگرفته بود و مسئولان تحقیق، در این زمینه بی توجهی بسیاری کرده اند.

### متهم

احمد ابوعدس، فلسطینی الاصل در ۲۹ اوت ۱۹۸۲ در جده عربستان سعودی متولد شد و به همراه خانواده اش در سال ۱۹۹۱ به لبنان آمد. نام پدرش تیسیر ابوعدس و نام مادرش نهاد موسی نافح می باشد. وی دو خواهر دارد که در بیروت زندگی می کنند و یک برادر که مقیم آلمان است. احمد بیکار است. بنا به تحقیقات

تحقیقات بیشتر مصادره شد و مکالمه های تلفنی نیز مورد بررسی قرار گرفت. بازرسیها نشان داد که احمد هیچ تمایلی به خشونت گرایی و اعمال تخریبی نداشته است. تحقیقات در این زمینه دارای معایب زیر بود:

الف. افسرانی که این تحقیقات را به پیش بردند، به کمیته حقیقت یاب اطمینان دادند که احمد ابوعدس از منزل خود به اینترنت دسترسی داشته و اطلاعاتی که در رایانه او وجود دارد، مؤید این است که او به سایت‌هایی که مد نظر این افسران بوده، وارد می شده است. اما تحقیقات کمیته حقیقت یاب نشان می دهد که رایانه احمد به هیچ وجه از سوی این افسران بررسی نشده است؛

ب. دلیل مبنی بر اینکه احمد برای خروج و عدم برگشت به خانه برنامه ریزی قبلی کرده باشد و روز ۱۶ ژانویه ۲۰۰۵ را برای این کار انتخاب کرده باشد، وجود ندارد؛

ج. هیچ اطلاعات امنیتی از جماعت «یاری و جهاد در سوریه بزرگ» قبل و پس از وقوع انفجار وجود ندارد؛

صورت گرفته، وی ساعت هفت روز ۱۶ ژانویه منزل خود را واقع در ساختمان «اسکندران» طبقه اول، شماره ۶ در نزدیکی دفتر اتحادیه عرب در بیروت ترک کرد و در ۱۹ ژانویه ۲۰۰۵ گزارش رسمی شد که وی مفقود شده است. تحقیقات نشان می دهد که وی سه سال پیش، از جوانی آزاد تبدیل به متدینی اصول گرا شد. قبل از اینکه مفقود شود به خانواده اش گفته بود که در مسجد «الحووری» جایی که بعضی اوقات نماز جماعت می خواند با دوست جدیدی آشنا شده است. به گفته مادرش، احمد روز ۱۶ ژانویه ساعت هفت صبح با این دوست جدید ملاقات داشت و قبل از اینکه از خانه خارج شود، دو هزار لیره لبنان از مادر خود پول گرفت.

روز ۱۴ فسویه ۲۰۰۵، پدر، مادر و خواهر کوچک احمد پس از مشاهده تصاویر تلویزیونی الجزیره که احمد مسئولیت قتل رفیق حریری را اعلام کرد، خود به پلیس مراجعه کردند و همگی بازداشت شدند. روز بعد خواهر احمد آزاد شد اما پدر و مادر احمد یک هفته در بازداشت بودند. منزل آنها بازرسی شد، دستگاه رایانه احمد برای

هـ. این عملیات ترور نیاز به مال فراوان، دقت نظامی در نحوه اجرا و حمایت لجستیک فراوان داشته است و فراتر از توان هر فرد یا گروه تروریستی می باشد. هیچ دلیلی وجود ندارد که ثابت کند احمد توان برنامه ریزی و اجرای عملیات ترور را داشته، ضمن آنکه وی توان مالی نیز نداشته است.

بانک «اچ اس بی سی» که در نزدیکی محل وقوع انفجار قرار دارد، دارای دوربین فیلمبرداری است که حرکت کاروان اتومبیلهای حریری را ضبط کرده است ولی از صحنه انفجار فیلمبرداری نشده است. در این فیلم یک کامیون میتسوبیشی پیک آپ قبل از رسیدن اتومبیل حریری، با سرعت بسیار آهسته ای در حال حرکت است. بقایایی از این کامیون در صحنه انفجار کشف شده است. به گفته محققان لبنانی این کامیون در عملیات ترور حریری نقش داشته است و کمیته حقیقت یاب نیز این موضوع را می پذیرد. اما به دلیل سهل انگاریهای نیروهای امنیتی و به دلایل زیر نظریه فوق هرگز اثبات نشد:

۱. نیروهای امنیتی نتوانستند موقعیت استقرار این کامیون قبل از وقوع

انفجار را تعیین کنند. اگر مشخص می شد که این کامیون از کجا و چه وقت به سمت محل وقوع انفجار حرکت کرده است، آنگاه امکان تعیین هویت عاملان این ترور مشخص می شد.

۲. کمیته حقیقت یاب می تواند به جرأت اعلام کند که قطعاتی از این کامیون پس از انفجار از سوی یک عضو امنیتی به درون حفره انفجار آورده شده و سپس از آن فیلمبرداری شده است. این امر موجب ایجاد شک و تردید نسبت به ارتباط این کامیون با عملیات ترور شده است و به صادقانه بودن خط اصلی تحقیقات امنیتی ضررهای جبران ناپذیری وارد کرده است. بنابراین، چنین رفتاری نشانگر سهل انگاری و یا اقدام به اجرای عملی مجرمانه است و مسئولیت آن به عهده کسانی است که مبادرت به این اقدام نموده اند.

### ارزیابی کلی از تحقیقات

به نظر می رسد ترور حریری درهای قیامی سیاسی را که بیش از آن بسته بود، گشود. اتهام زدنها کاملاً آشکار شده است و مجادله سیاسی میان دو قطب شکل گرفته

است. بعضی‌ها دستگاه امنیتی و رهبری سوریه را متهم به ترور حریری می‌کنند؛ زیرا وی مانعی غیرقابل عبور در برابر نفوذشان به لبنان بود. اینان معتقدند که حذف وی برای سوریه ضرورت یافته بود تا بتواند تسلط خود را بر حیات سیاسی لبنان حفظ کند، به ویژه اگر سوریه مجبور می‌شد که نیروهای نظامی خویش را از لبنان خارج کند. آنها معتقدند که رهبری سوریه در گذشته هم از این قبیل تاکتیکها، بدون هیچ‌گونه ترس و واهمه‌ای استفاده کرده است و این بخشی از شیوه رفتار خشن سوریه در امور لبنان است. همچنین این اعتقاد وجود دارد که رهبری سوریه پیش‌بینی هیچ واکنش تندی از سوی ملت لبنان یا جامعه بین‌المللی را نمی‌کرد. تصمیم به از میان برداشتن حریری «اشتباه راهبردی در محاسبه» بود که قبل از این هم از سوی دولت سوریه تکرار شده بود. اما طرفداران سوریه معتقدند که ترور حریری به دست دشمنان سوریه بود که می‌خواهند به سوریه فشار بین‌المللی وارد آورند تا نفوذ سوریه در لبنان هر چه سریع‌تر پایان یابد و یا اینکه واکنشهایی را برانگیزند تا در نهایت در درون نظام سوریه تغییرات حاصل شود.

طرفداران سوریه بر این باورند که ترور حریری اشتباه بزرگی است که رهبری سوریه هرگز آن را انجام نمی‌دهد؛ زیرا نه تنها نخستین مظنون بلکه بازنده مستقیم آن خواهد بود. این طرفداران به کمیته حقیقت‌یاب متذکر شدند که ترورهای سیاسی برای انتقام‌گیری اجرا نمی‌شوند، بلکه جهت کسب نتایجی مشخص انجام می‌شوند و نتایجی که از ترور حریری به دست می‌آید، کاملاً عکس خواسته‌های سوریه است.

این ترور شکاف میان گروه‌های سیاسی داخل لبنان را عمیق‌تر کرد و دسته‌بندیهای عرصه سیاسی لبنان به نحو وحشتناکی گسترش یافت. پس از ترور حریری، عرصه سیاسی لبنان به دو گروه «اپوزیسیون» و «حامیان» که از دولت و رئیس‌جمهور لبنان و روابط سوریه و لبنان حمایت می‌کردند، تقسیم شد. دو هفته پس از ترور حریری جمعیت انبوهی از لبنانیان دست به تظاهرات زدند و مخالفت خود را با مداخله سوریه در امور داخلی لبنان به نمایش گذاشتند. رهبران اپوزیسیون دستگاه امنیتی لبنان را متهم به دست داشتن در این ترور کردند و خواستار استعفای دولت و خروج

نیروهای نظامی و دستگاههای امنیتی سوریه از لبنان شدند. با وجود اینکه عمر کرامی، نخست وزیر لبنان، اکثریت را در پارلمان دارد و مطمئن است که می تواند رأی اعتماد را کسب کند. اما پس از این تظاهرات و در حالی که راهپیمایان در نزدیکی پارلمان بودند، استعفای دولت را اعلام نمود. رهبران اپوزیسیون به راه اندازی راهپیماییها ادامه دادند و خواسته های خود را این چنین مطرح کردند:

۱. برکناری مسئولان دستگاههای امنیتی لبنان؛

۲. خروج نیروها و دستگاههای نظامی - امنیتی سوریه از لبنان؛

۳. تشکیل دولتی بی طرف برای فراهم آوردن شرایط جهت برگزاری انتخابات پارلمانی در اسرع وقت؛ و

۴. تشکیل کمیته ای بین المللی برای تحقیق در مسئله ترور حریری.

اما حامیان و طرفداران نیز به سرعت واکنش نشان دادند و در هشتم مارس حدود نیم میلیون نفر در خیابانهای بیروت در حمایت از دولت لبنان و سوریه گردهم آمدند. رییس جمهور سوریه نیز اعلام کرد که

در راستای اجرای موافقت نامه طائف در سال ۱۹۸۹، دولت سوریه در مرحله نخست نیروهای خود را تا منطقه بقاع و سپس به مرزهای سوریه عقب خواهد کشاند. اما اظهارات رییس جمهور سوریه منجر به خاتمه یافتن بحث پیرامون حضور سوریه در لبنان نشد. رهبران اپوزیسیون به ابراز تردیدشان نسبت به قصد و نیت نظام سوریه ادامه دادند و خواستار ارایه یک جدول زمان بندی شده برای خروج همه نیروهای

سوریه شدند. بعضیها نیز خواستار عقب نشینی نیروهای سوریه تا قبل از برگزاری انتخابات پارلمانی آینده شدند.

بر اساس گزارشهای موجود، بیش از یک میلیون نفر در ۱۴ مارس در میدان اصلی بیروت جمع شدند و برای استقلال لبنان،

تشکیل کمیته مستقل بین المللی، برکناری مسئولان دستگاههای امنیتی و تشکیل دولتی بی طرف برای آماده سازی انتخابات

آینده، شعارهایی دادند. شخصیتهای بسیاری به کمیته حقیقت یاب پیشنهاد دادند که برای تأمین سلامتی انتخابات آینده در ماه می، نظارتی بین المللی صورت گیرد و اشاره کردند که انتخاباتی که توأم با درستی و پاکی

باشد، به ثبات وضعیت سیاسی لبنان کمک جدی خواهد کرد. همچنین ترسهایی از بروز جنگی داخلی در پرتو تقسیم بندی شدید سیاسی در صفوف حامیان و مخالفان وجود داشت، این تنشهای سیاسی صلح و امنیت لبنان را تهدید می کند و بازتابی واضح بر ثبات کل منطقه خواهد داشت.

همه سیاستمداران با پیشینه ها و سوابق مختلف به کمیته حقیقت یاب گفتند که از اینکه لبنان بار دیگر تبدیل به میدان جنگ قدرتهای خارجی شود، می ترسند. آنها از جنگ داخلی طولانی و تأسف بار لبنان به عنوان مثالی از رقابت قدرتهای خارجی از طریق نیروهای لبنانی نام بردند. ضمن آنکه به ضعف و توان کم دولت لبنان در تحمل فشارها اشاره کردند و ناراحتی خود را از اینکه لبنان در مرکز رویارویی سوریه با جامعه بین المللی قرار گیرد و در نتیجه صلح و امنیت لبنان از بین برود، ابراز داشتند. رهبران سیاسی لبنان از کمیته خواستند که به جامعه بین المللی اعلام نماید که از لبنان به عنوان اهرم فشار علیه سوریه استفاده نکند؛ زیرا این اهرم بسیار ضعیف است و احتمال دارد که به راحتی بشکند.

### نتیجه گیری و پیشنهادات

مسئولیت اصلی عدم امنیت، نظم و قانون در لبنان بر عهده دستگاههای امنیتی لبنان و اطلاعات نظامی سوریه است. به نظر کمیته دستگاه امنیتی لبنان در انجام وظایف خود بی توجهی و سهل انگاری دایمی داشته است و در نتیجه در ترویج فرهنگ تهدید، ارباب و فرار از مجازات سهیم بوده است. اطلاعات نظامی سوریه نیز در حد مشارکت خود در مدیریت دستگاههای امنیتی لبنان، مسئولیت دارد. همچنین به نظر کمیته حقیقت یاب، دولت سوریه در تنش سیاسی که پس از ترور رفیق حریری، نخست وزیر لبنان، به وجود آمد، مسئولیت مهمی را متحمل می شود. دولت سوریه سالها نفوذی فراتر از روابط همسایگی مبتنی بر همکاری داشت؛ زیرا در جزئیات حکومت لبنان مداخله می کرد و عامل اصلی چند دستگی سیاسی فعلی در لبنان می باشد. بسیار واضح است که چنین فضایی در فراهم کردن زمینه های ترور حریری نقش داشته است. برای کمیته آشکار است که عملیات تحقیق و جستجوی لبنان با مشکلات جدی روبه رو است. صرف نظر از اینکه دلیل چنین

مسئله ای ناتوانی و یا عدم پایداری و اصرار به پی گیری موضوع باشد، بسیار مشخص است که این تحقیقات نتیجه ای نخواهد داشت. ضمن آنکه درستی و پاکدامنی مقامات لبنانی که مسئول اجرای تحقیقات بودند، چه از سوی دولت و چه از سوی اپوزیسیون مورد شک و سؤال بود.

بنابراین به نظر کمیته، انجام تحقیقی بین المللی و مستقل برای دستیابی به حقیقت ضروری است و برای اجرای چنین تحقیقی به تیمی از کارشناسان خبره در زمینه های مختلف این تحقیق و یک کادر کمکی آشنا به قوانین و منابع مالی نیاز است. این گروه به مقامات قوه مجریه برای اجرای بازرسیها، تحقیقات و دیگر وسایل مرتبط و مقامات قضایی لبنان برای دریافت کمک و ارایه مشاوره نیز احتیاج دارند. اما چنین گروهی تا زمانی که رهبری فعلی در دستگاههای امنیتی لبنان وجود دارد نمی تواند مأموریت و فعالیت خود را به نحو مطلوبی انجام دهد. کمیته نتیجه گرفته است که برای بازگشت امنیت و ثبات در لبنان، ایجاد تغییرات و بی طرفی در دستگاههای امنیتی بسیار حایز اهمیت

است. بنابراین، می بایست ساختار و نیروهای این دستگاهها تغییر کنند و دوباره آموزش ببینند و این امر نیاز به کمک و مشارکت فعال جامعه بین المللی دارد. با توجه به میزان آگاهی کمیته از ساختار کنونی دستگاههای امنیتی لبنان اولویتهای اصلاحات امنیتی زیر پیشنهاد می شود:

الف. جدایی امنیت از سیاست و ایجاد دستگاههایی کارا؛  
ب. ملی کردن دستگاه امنیتی از طریق جدا کردن آن از نفوذ خارجی و قرار گرفتن آن در ورای هر فرقه و طایفه ای؛  
ج. تأسیس یک دستگاه پلیس دموکراتیک با تخصیص توجه لازم به حکومت قانون و حقوق بشر؛  
د. تأسیس سیستمی آشکار برای ابلاغهای رسمی؛  
هـ. توجه به آماده سازی و افزایش توانمندیها و توجه به کارکرد سیستم قضایی با مکانیسمی مشخص.  
در پایان به نظر کمیته، حمایت سیاسی بین المللی و منطقه ای برای حمایت از اتحاد ملی لبنان و حمایت از رژیم شکننده آن از فشارهایی که هیچ توجیهی برای آن



وجود ندارد، ضروری است. بهبود افقهای  
صلح و امنیت در منطقه نیز زمینه را برای  
بازگشت وضعیت طبیعی در لبنان فراهم  
خواهد کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی